

آسه آن و تهدیدات جدید امنیتی

بهاره سازمند*

استادیار روابط بین الملل دانشگاه یزد

(تاریخ دریافت: ۱۷/۶/۸۶ - تاریخ تصویب: ۱۵/۷/۸۶)

چکیده:

اتحادیه ملل جنوب شرق آسیا (آسه آن) در سال ۱۹۶۷ میلادی به منظور مقابله با تهدید کمونیزم در منطقه جنوب شرق آسیا به وجود آمد؛ اما با گذشت زمان اعضای آسه آن اهداف و فعالیت‌های این سازمان را گسترش دادند و در حوزه‌های دیگر از جمله اقتصادی و تجاری، سیاسی، امنیتی و فرهنگی به تعمیم همکاری‌ها پرداختند، به نحوی که امروزه این نهاد منطقه‌ای به عنوان یکی از الگوهای موفق همگرایی منطقه‌ای در آسیا قلمداد می‌شود. آن‌چه که در این مقاله بررسی می‌شود نحوه مواجهه آسه آن با تهدیدات جدید امنیتی از قبیل جرائم فراملی، گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و تروریسم است. سوالی که به آن پاسخ داده خواهد شد این است که آسه آن چه اقداماتی را برای مقابله با تهدیدات امنیتی جدید انجام داده است و آیا این اقدامات کافی بوده است یا خیر؟ به همین منظور برای پاسخ سوال‌های گفته شده، در ابتدا تهدیدات جدید امنیتی در دوره پس از جنگ سرد ارائه می‌شود و در ادامه شاخص‌های این تهدیدات از جمله جرائم سازمان‌یافته فراملی، گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و تروریسم و نحوه برخورد آسه آن با این تهدیدات مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در آخر هم نتیجه‌گیری بحث ارائه خواهد شد.

واژگان کلیدی:

آسه آن، تهدید، فراملی، تروریسم، امنیتی

Email: sazmand_bahareh@yahoo.com

* فاکس: ۰۳۵۱-۸۲۱۰۳۱۴

از این نویسنده تاکنون مقاله زیر در همین مجله منتشر شده است:

"مطالعه سازمان‌های بین‌المللی از چشم‌اندازی تئوریک"، دوره ۳۸، شماره ۲، سال ۸۷

مقدمه

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، پایان یافتن جنگ سرد و در آغاز دهه ۱۹۹۰ میلادی، بر اساس پیش‌بینی نواقح‌گرایان به نظر می‌رسید که نهاد منطقه‌ای آسه‌آن با بحران روبرو شده و از بین برود؛ زیرا علت اصلی شکل‌گیری این نهاد یعنی تهدید کمونیسم از بین رفته بود. اما آنچه که در عمل اتفاق افتاد این بود که نه تنها آسه‌آن از بین نرفت، بلکه هم به لحاظ تعداد اعضا گسترده‌تر شد و تعداد اعضای آن به ده عضو رسید و هم همکاری در میان اعضا عمیق‌تر شد که مظهر این تعمیق، شکل‌گیری افتا (منطقه آزاد تجاری آسه‌آن) در حوزه اقتصادی و شکل‌گیری مجمع منطقه‌ای آسه‌آن در حوزه امنیتی در دهه ۱۹۹۰ بود.

در دوره پس از جنگ سرد و هم‌زمان با گسترش فرایند جهانی‌شدن، محیط امنیتی منطقه‌ای در جنوب شرق آسیا هم‌چون سایر مناطق جهان به شدت دچار تغییر و تحول گردید. با فروپاشی شوروی، منازعه ایدئولوژیک در منطقه از بین رفت و به نظر می‌رسید که بستری مناسب برای همکاری در زمینه امنیتی در منطقه فراهم شده است. در این دوره، تهدیدات امنیتی جدید سر برآوردند که سبب شدند اعضای آسه‌آن همکاری بیشتر را در مقابله با تهدیدات به وجود آمده داشته باشند و امنیت خود را حفظ کنند.

در متون روابط بین‌الملل معمولاً تهدیدات را به دو دسته تهدیدات سنتی (معارف) و تهدیدات غیرسنتی (نامتعارف) طبقه‌بندی می‌کنند. تهدیدات سنتی دولت‌محور بوده و یک دولت یا گروهی از دولت‌ها به دلایل مختلف ایدئولوژیک، سیاسی و امنیتی به عنوان تهدید شناخته می‌شوند؛ درحالی‌که تهدیدات جدید که به واسطه گسترش ارتباطات و انتشار اطلاعات ناشی از فرایند جهانی‌شدن مطرح شده‌اند، معمولاً دولت‌محور نیستند و نمی‌توان تنها یک دولت یا گروهی از دولت‌ها را مظهر آن تهدیدها دانست، زیرا عمدتاً جنبه غیردولتی داشته و در سطح فراملی نیز فعالیت می‌کنند. بنابراین، می‌توان گفت اگرچه تا دهه ۱۹۷۰، کمونیسم در قالب دولت‌های شوروی، چین و کشورهای دارای نظام کمونیستی منطقه جنوب شرق آسیا هم‌چون ویتنام و از دهه ۱۹۷۰ تا زمان فروپاشی شوروی نیز در قالب کشورهای شوروی، ویتنام، لائوس و کامبوج به عنوان تهدیدی سنتی و دولت‌محور برای کشورهای عضو آسه‌آن مطرح بود، اما با فروپاشی شوروی و از میان رفتن این تهدید سنتی، تهدیدات جدید غیرمعارف که جنبه دولتی ندارند، فراملی هستند و توسط گروه‌های سازمان‌یافته طراحی و اجرا می‌شوند سر برآوردند. مهم‌ترین این تهدیدات برای کشورهای منطقه جنوب شرق آسیا جرائم فراملی و تروریسم هستند که در ادامه به نمودهای آنها در منطقه پرداخته می‌شود.

جرائم سازمان‌یافته فراملی

در دهه ۱۹۹۰ مسئله جنایات سازمان‌یافته فراملی، توجه سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای، نهادهای دولتی و غیردولتی، افکار عمومی جهانی و به طور خلاصه توجه جامعه جهانی را به عنوان تهدیدی عمده در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی و در حوزه‌های مختلف سیاسی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی به خود جلب کرد.

این جنایات نوعاً توسط گروه‌ها و سازمان‌هایی ارتکاب می‌یابند که دارای تشکیلات عظیم و بنیه مالی قوی و غالباً قدرت نفوذ در ارکان حکومت‌ها هستند. به عبارت دیگر، مرتکبین این جنایات، نه افراد بی‌بضاعت و نیازمند، بلکه سازمان‌هایی قدرتمند هستند که دارای آنها برخی اوقات چندین برابر بودجه سالانه برخی کشورها است. در داخل این سازمان‌ها سلسله‌مراتبی خاص حاکم است و هر یک از اعضاء حقوق و تکالیف و اختیارات خاص خودش را دارد. به خاطر وجود سازمان‌ها و تشکیلات مجرمانه که دارای استمرار و دوام هستند، جرائم ارتكابی آنها محدود به یک یا چند مورد خاص نیست؛ بلکه اصولاً ارتكاب جرائم متعدد در مدت زمان طولانی و بلکه نامحدود استمرار دارد (سلیمی ۱۳۸۲: ۱۰-۹).

یکی از ویژگی‌های مهم این جرائم سازمان‌یافته، «فراملی» بودن آنها است. گروه‌های سازمان‌یافته جنایی حتی اگر در ابتدا در قلمرو یک کشور ایجاد شده باشند، تمایل دارند به ورای مرزها وارد شوند تا هم امکانات و فرصت‌های بهتر و بیشتر برای فعالیت خویش پیدا کنند و هم امکان کشف جرم و خطرات ناشی از برخورد مراجع اجرای قانون را کاهش دهند. بنابراین، عوامل و تشکیلات این سازمان‌های جنایتکارانه، در کشورهای مختلفی استقرار یافته‌اند. ابعاد فراملی بودن شامل حوزه فعالیت و محل ارتكاب جرم، استقرار تشکیلات و امکانات، مدیریت فراملی، آثار فراملی جنایات و در نهایت عبور مرتکبین از مرزهای بین‌المللی می‌شود. هم‌چنین باید بیان کرد که یکی دیگر از ویژگی‌های این دسته از جرائم این است که غالباً بدون خشونت محسوس صورت می‌گیرند و جز در موارد ضرورت از این حربه استفاده نمی‌شود و نهایتاً این‌که جرائم سازمان‌یافته فراملی با انگیزه اقتصادی و برای تحصیل منافع مادی ارتكاب می‌یابند (سلیمی ۱۳۸۲: ۱۰). از مصادیق این دسته از جرائم، قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان، قاچاق اسلحه، پولشویی و فساد مالی، هواپیماربابی و جرائم کامپیوتری می‌باشد. اگر چه برخی اسناد سازمان ملل متحد، تروریسم را هم در زمره جرائم سازمان‌یافته فراملی قرار می‌دهند اما از نظر برخی حقوقدانان که به کنوانسیون پالمو درباره جنایات سازمان‌یافته فراملی استناد می‌کنند، اگرچه تروریسم برخی اشتراکات را با جرائم سازمان‌یافته فراملی دارد، اما دارای برخی وجوه افتراق با این‌گونه جرائم نیز می‌باشد و همین مسئله سبب شده تا تروریسم را جرمی مجزا از جرائم سازمان‌یافته فراملی قلمداد کنند (Palermo Convention 2000).

در خصوص منطقه جنوب شرق آسیا که موضوع بررسی این مقاله است باید گفت که قاچاق مواد مخدر، تروریسم و قاچاق انسان مهم‌ترین مصادق جرائم فراملی در منطقه هستند. بنابراین سازمان منطقه‌ای آسه‌آن از دهه ۱۹۷۰ به منظور مقابله با برخی از مصادیق این جرائم هم‌چون قاچاق مواد مخدر که قدمت بیشتر داشته و حتی در قبل از دهه ۱۹۹۰ نیز مطرح بوده، اقداماتی انجام داده است. اگرچه توجه آسه‌آن به مسئله قاچاق مواد مخدر به سال ۱۹۷۲ یعنی زمان برگزاری نخستین جلسه در مورد جلوگیری از استفاده از مخدر و کنترل آن از سوی وزرای امور خارجه عضو بر می‌گردد؛ اما اتخاذ اصول و رویه‌هایی برای اتخاذ رفتار همکاری‌جویانه از سوی اعضای آسه‌آن به برگزاری نشست بالی در سال ۱۹۷۶ مربوط می‌شود و در «اعلامیه روابط دوستانه آسه‌آن» که در این نشست توسط سران کشورهای عضو به امضا رسید، به این موضوع نیز توجه شد. در اجلاس وزرای امور خارجه نیز اعلامیه‌ای با عنوان «اعلامیه اصول مبارزه با مصرف مواد مخدر» در ۲۶ ژوئن ۱۹۷۶ به امضای وزرای امور خارجه کشورهای عضو رسید. نکته مهم این‌که هیچ معاهده یا کنوانسیون دیگری برای مبارزه با مواد مخدر به غیر از این اعلامیه وجود ندارد و هنوز هم همین اعلامیه مبنای رفتار همکاری‌جویانه اعضای آسه‌آن در حوزه مبارزه با مصرف مواد مخدر است (ASEAN Declaration of Principles to Combat the Abuse of Narcotic Drugs, 1976).

متعاقب امضای این اعلامیه، قرار شد همه ساله متخصصان مواد مخدر آسه‌آن به منظور اجرای مفاد این اعلامیه اقدام به برگزاری اجلاس سالیانه نمایند. هم‌چنین میز مواد مخدر نیز در دبیرخانه دائمی آسه‌آن در جاکارتا ایجاد شد. اجلاس سالیانه متخصصین مواد مخدر هم در سال ۱۹۸۴ جای خود را به نشست مقامات عالی رتبه آسه‌آن در حوزه موضوعات مرتبط با مواد مخدر داد (Emmers 2006: 18).

در دوره جنگ سرد، دولت‌های عضو آسه‌آن عمدتاً جزء مصرف‌کنندگان مواد مخدر محسوب می‌شدند و خود تولیدکننده مواد مخدر نبودند. بنابراین، معمولاً فعالیت‌های صورت گرفته در این سازمان در این دوره زمانی، حول محور مبارزه با مصرف مواد مخدر و کنترل مصرف آن صورت می‌گرفت. اما با پایان جنگ سرد تلاش‌های آسه‌آن برای کنترل مواد مخدر نهادینه‌تر و جدی‌تر شد، زیرا اعضای جدیدی به آن پیوستند که در سرزمین آنها مواد مخدر تولید می‌شد (Emmers 2006: 18).

بنابراین در سال ۱۹۹۶ «دستورالعمل آسه‌آن در زمینه استفاده از مواد مخدر و کنترل مصرف مواد مخدر» مبنای تلاش‌های جدیدی برای مبارزه با مواد مخدر گردید (ASEAN Plan of Action on Drug Abuse Control 1996). در این دستورالعمل، چهار حوزه انجام اقدامات

همکاری‌جویانه اعضای آسه‌آن ارائه شده بود که شامل آموزش پیشگیرانه، درمان و توانبخشی، اجرای قانون و بالاخره تحقیق می‌شد.

این اقدامات همکاری‌جویانه مجدداً در دومین نشست غیررسمی سران آسه‌آن که در دسامبر ۱۹۹۷ برگزار گردید، مورد تأکید قرار گرفت و به عنوان بخشی از «چشم‌انداز آسه‌آن ۲۰۲۰» (ASEAN Vision 2020) مطرح شد. بر اساس این سند، دولت‌های عضو خواستار آن شدند که تا سال ۲۰۲۰ جنوب شرق آسیا عاری از تولید، قاچاق و مصرف مواد مخدر شود (ASEAN Vision 2020 1997).

یک سال بعد از آن وزرای امور خارجه کشورهای عضو در اعلامیه‌ای مشترک، طرح عاری‌سازی منطقه جنوب شرق آسیا را از تولید، قاچاق و مصرف مواد مخدر مطرح کردند و خود را متعهد به عدم تولید، قاچاق و مصرف مواد مخدر تا سال ۲۰۲۰ کردند (Joint Declaration for a Drug-Free ASEAN 1998). اما این اعلامیه در حد کلیات بود و در آن به چگونگی اجرای این طرح از قبیل سرمایه‌گذاری مشترک، نحوه نظارت، ایجاد سازوکاری برای پذیرش اصول این اعلامیه از سوی اعضا و... مطرح نشده بود (Emmers 2006: 19). در سال ۲۰۰۰ هم در سی‌وسومین اجلاس سالانه وزرای امور خارجه آسه‌آن که در بانکوک برگزار شد، مجدداً طرح منطقه عاری از تولید، قاچاق و مصرف مواد مخدر مورد تأکید وزرا قرار گرفت و قرار شد این طرح تا سال ۲۰۱۵ محقق شود (Joint Communiqué of the 33rd ASEAN Ministerial Meeting 2000).

علاوه بر اقداماتی که به صورت تصویب اعلامیه و بیانیه‌های مشترک در زمینه مبارزه با قاچاق مواد مخدر به‌عنوان یکی از مصادیق جرائم سازمان‌یافته فراملی از سوی آسه‌آن صورت گرفت، این نهاد در دهه ۱۹۹۰ نیز اقداماتی را به منظور مبارزه با پدیده جرائم سازمان‌یافته فراملی انجام داده است که مهم‌ترین آنها به شرح زیر است:

۱. تأکید وزرای امور خارجه در سومین اجلاس مجمع منطقه‌ای آسه‌آن در جاکارتا، بر توجه به «مسئله قاچاق مواد مخدر و موضوعات فراملی مرتبط همچون جرائم اقتصادی پول‌شویی» که می‌تواند تهدیدی جدی برای امنیت کشورهای منطقه و عضو آسه‌آن قلمداد شود (The 3rd ASEAN Regional Forum, 1996).

۲. اعلامیه وزرای آسه‌آن در مورد جرائم فراملی که در ۲۰ دسامبر ۱۹۹۷ در مانیل به امضاء اعضای آسه‌آن رسید. در واقع اولین کنفرانس آسه‌آن در مورد جرائم فراملی در دسامبر ۱۹۹۷ در مانیل برگزار شد و ماحصل این کنفرانس، امضای اعلامیه آسه‌آن در مورد جرائم فراملی بود که در آن اعلامیه، اعضا به توافق رسیدند نشست‌هایی در سطح وزرا برای مقابله با تهدید جرائم فراملی برگزار شود. همچنین این اعلامیه امکاناتی را برای مشارکت در

اطلاع‌رسانی و هماهنگی در زمینه سیاستگذاری، همچون استقرار پلیس ویژه در همه پایتخت‌های ملی آسه‌آن و تأسیس مرکز مبارزه با جرائم فراملی آسه‌آن که به عنوان مرکزی تحقیقاتی و دفتری منطقه‌ای برای اطلاع‌رسانی در مورد جرائم در میان اداره‌های پلیس ملی کشورهای عضو فعالیت خواهد کرد، در نظر گرفته بود (ASEAN Declaration on Transnational Crime, 1997).

۳. بیانیه مشترک دومین اجلاس وزرای آسه‌آن در مورد جرائم فراملی که در ۲۳ ژوئن ۱۹۹۹ به امضای اعضای آسه‌آن رسید و شامل اتخاذ برنامه عمل آسه‌آن در مورد مبارزه با جرائم فراملی بود (Joint Communique of the 2nd ASEAN Ministerial Meeting, 1999; Mcfarlane 2000: 2).

بنابراین با بررسی اسناد و مدارک سازمان آسه‌آن می‌توان به این نتیجه رسید که حتی اگر یکی از تهدیداتی که در دهه ۱۹۹۰، برای اعضای آسه‌آن مطرح شده، جرائم فراملی باشد، اما شواهد چندانی در میان اسناد آسه‌آن وجود ندارد که نشان دهد این مسئله (جرائم فراملی)، اعضای آسه‌آن را تشویق کرده باشد که پاسخ امنیتی همگرایانه‌ای را در قبال این مسئله اتخاذ کرده باشند. علت این ناتوانی آسه‌آن در برخورد با جرائم فراملی نیز می‌تواند ناشی از موضوعات زیر باشد:

الف. پیوند میان بی‌ثباتی داخلی و جرائم فراملی: از آنجایی که در منطقه جنوب شرق آسیا بیشتر کشورها با فقر و نابرابری اقتصادی مواجه هستند، این مسئله از توانایی آسه‌آن برای مبارزه با جرائم فراملی می‌کاهد.

ب. در رابطه با قاچاق مواد مخدر به عنوان یکی از انواع جرائم فراملی باید بیان کرد که بزرگترین مانع از این واقعیت ناشی می‌شود که این امر برخی از اعضای آسه‌آن را به عنوان تولیدکنندگان اصلی (میانمار و لائوس) و مصرف‌کنندگان (به خصوص تایلند و فیلیپین) را درگیر می‌کند. در نتیجه این کشورها به دنبال حفظ منافع خود در موضوع مورد نظر بوده و رسیدن به یک اتفاق نظر را در این زمینه مشکل می‌سازد.

ج. و بالاخره این‌که تلاش‌های آسه‌آن در مبارزه با جرائم فراملی به خاطر وقوع بحران مالی در آسیا در دهه ۱۹۹۰ با مشکل مواجه شد و بیشتر توجه آسه‌آن به حوزه اقتصادی معطوف گردید (Emmers 2002: 16-17).

د. در مورد قاچاق مواد مخدر که به صورت خاص در آسه‌آن به آن توجه شده نیز باید بیان کرد که همان‌طور که از اسناد این سازمان در رابطه با این موضوع بر می‌آید، مسائل مطروحه تنها در حد اعلانی باقی مانده و به مرحله عمل نرسیده‌اند، زیرا سازوکار اجرای این اصول

عنوان نشده است تا بتوان به صورت جدی و در قالب اقدامات همکاری‌جویانه نهادی با آنها مقابله کرد.

گسترش سلاح‌های کشتار جمعی

یکی دیگر از دغدغه‌های امنیتی آسه‌آن در دهه ۱۹۹۰، مسئله گسترش سلاح‌های کشتار جمعی در منطقه بود. اگرچه کشورهای عضو آسه‌آن خود دست به تولید و تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی نکرده‌اند و همگی (هر ده عضو) معاهده «منع تولید، گسترش، اندوختن و سلاح‌های بیولوژیک و سمی و نابودی آنها» (Convention on the Prohibition of the Development, Production and Stockpiling of Bacteriological and Toxic Weapons and their Destruction) و همین‌طور کنوانسیون «سلاح‌های شیمیایی» (Convention on Chemical Weapons) را امضا کرده‌اند، اما در منطقه آسیا قدرت‌های هسته‌ای چین، هند، پاکستان و کره شمالی حضور دارند و وجود چنین شرایط منطقه‌ای خطر گسترش این‌گونه سلاح‌ها را به منطقه جنوب شرق آسیا افزایش داده و موجب نگرانی کشورهای عضو آسه‌آن شده است (Ruland 2005: 549). در همین راستا معاهده منطقه‌عاری از سلاح‌های هسته‌ای در جنوب شرق آسیا در دسامبر ۱۹۹۵ به امضای اعضای آسه‌آن رسید و از مارس ۱۹۹۷ لازم‌الاجرا گردید. این معاهده مانع از آن می‌شود که اولاً دولت‌های عضو آسه‌آن به دنبال توسعه و کسب یا داشتن کنترل بر سلاح‌های هسته‌ای باشند، ثانیاً به دنبال حمل و نقل این‌گونه سلاح‌ها باشند، ثالثاً دست به آزمایش چنین تسلیحاتی بزنند، رابعاً از این سلاح‌های هسته‌ای استفاده نمایند و بالاخره اینکه به دولت‌های دیگر اجازه دهند که در داخل سرزمین این کشورها دست به چنین اعمالی بزنند (Severino 2004: 13). در «چشم‌انداز آسه‌آن ۲۰۲۰» نیز اعضای آسه‌آن مطرح کردند که تا سال ۲۰۲۰ یک جامعه امنیتی شکل بگیرد و در این جامعه منطقه جنوب شرق آسیا، عاری از هرگونه سلاح کشتار جمعی باشد (ASEAN Vision 2020 1997).

علاوه بر آن، باید بیان کرد که با مطرح شدن خطر تروریسم از ۱۱ سپتامبر به بعد، این نگرانی برای دولت‌های عضو آسه‌آن به وجود آمده است که خطر تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی با خطر تروریسم بین‌المللی ترکیب شود، زیرا ممکن است که این سلاح‌ها و یا ملزومات تولید این‌گونه از تسلیحات به دست تروریست‌های منطقه بیفتد و امنیت ملی و منطقه‌ای آنها را به مخاطره اندازد (Ruland 2005: 552).

تروریسم

یکی دیگر از تهدیدهای جدید امنیتی که به صورت جدی برای کشورهای منطقه جنوب شرق آسیا مطرح شده است، تهدید تروریسم است. تعاریف متعدد از تروریسم چه از سوی

حقوقدانان و چه در اسناد و بیانیه‌های بین‌المللی راجع به این موضوع ارائه شده است. همان‌طور که قبلاً هم گفته شد، برخی از این اسناد، تروریسم را در زمره جرائم سازمان‌یافته فراملی قرار می‌دهند. در عین حال باید گفت اگرچه تروریسم دارای برخی ویژگی‌های مشترک با جرائم سازمان‌یافته فراملی است، اما از برخی جهات با آن یکی نیست که این تفاوت با ارائه تعریف این مفهوم روشن‌تر خواهد شد. برخی از تعاریف ارائه شده درباره مفهوم تروریسم عبارتند از:

«تروریسم شکلی پیچیده از خشونت سیاسی است. آن نه اتفاقی است و نه بدون هدف. استراتژی و ابزار آنانی است که هنجارها و ارزش‌های مردم متمدن همه مناطق را رد می‌کنند». به بیان دیگر «تروریسم، هر فعالیت خشونت‌آمیزی است که از سوی سازمان‌های غیردولتی برای دستیابی به مقاصد سیاسی انجام می‌شود» در تعابیر دیگر، تروریسم «استفاده یا تهدید غیرقانونی به استفاده از زور یا خشونت از سوی یک سازمان یا گروه علیه افراد یا اموال با نیت وادار کردن یا مرعوب ساختن دولت‌ها یا جوامع برای مقاصد سیاسی یا ایدئولوژیک» یا «استفاده غیرقانونی از زور یا تهدید به خشونت علیه افراد یا اموال برای پیشبرد مقاصد سیاسی است و معمولاً هدف آن مرعوب ساختن یا اجبار دولت‌ها، افراد یا گروه‌ها به تغییر رفتارها یا خط مشی‌های آنها است» (فن گلان ۱۳۷۸: ۳۴۰-۳۳۹).

بنابراین، اگرچه این جرم، دارای ابعاد سازمان‌یافته گروهی و فراملی هم است، اما معمولاً با هدف سیاسی صورت می‌گیرد و دربرگیرنده خشونت گسترده هم است، درحالی‌که در تعریف جرائم سازمان‌یافته فراملی گفته شد که این‌گونه جرائم برای اهداف اقتصادی و کسب سود مادی صورت می‌گیرد و جز در موارد ضرورت در انجام آن از خشونت استفاده نمی‌شود (سلیمی ۱۳۸۲: ۴۴). بنابراین، تروریسم کاملاً ذیل جرائم سازمان‌یافته فراملی قرار نمی‌گیرد و می‌توان آن را به عنوان یک جرم جداگانه مورد مطالعه قرار داد.

برای بررسی این‌که تروریسم از چه زمانی به عنوان تهدید جدی برای آسه‌آن مطرح شد می‌توان اقدامات صورت گرفته در این نهاد را در مقابل تهدید تروریسم به سه دوره زمانی طبقه‌بندی کرد:

تهدید تروریسم در دهه ۱۹۹۰

با بررسی اسناد و مدارک سازمان آسه‌آن می‌توان بیان کرد که تا قبل از جولای ۲۰۰۱ در اعلامیه‌های رسمی جلسات وزرای آسه‌آن و در اظهارات اعضای مجمع منطقه‌ای آسه‌آن، هیچ اشاره‌ای به موضوع تروریسم به صورت خاص نشده بود. در واقع، پیش از این آسه‌آن تروریسم را در ذیل جرائم فراملی در رده قاچاق مواد مخدر، قاچاق اسلحه و پولشویی قرار

داده بود. به عنوان نمونه در تاریخ ۱۵ دسامبر ۱۹۹۷، رسماً چشم انداز ۲۰۲۰ آسه‌آن اعلام شد که در آن اهداف درازمدت آسه‌آن ذکر شده بود. مهم‌ترین اولویت این سند، همگرایی اقتصادی منطقه‌ای، تعاملات صلح‌آمیز و حل و فصل اختلافات از طریق صلح‌آمیز، تقویت همکاری میان اعضاء در جهت مقابله با مشکلات فراملی از جمله قاچاق مواد مخدر و انسان بود. تا این تاریخ نیز مشاهده می‌شود که هیچ‌گونه توجهی به تروریسم به صورت مشخص و جدی نشده است (ASEAN Vision 2020, 1997).

یک سال بعد از آن یعنی در سال ۱۹۹۸، برنامه عمل هانوی به عنوان سندی که ارائه کننده جزئیات و مراحل اجرای چشم‌انداز آسه‌آن در سال ۲۰۲۰ است، به امضای اعضاء رسید که در آن نیز اشاره‌ای به تروریسم نشده بود (Hanoi Plan of Action, 1998). بنابراین، همان‌طور که از بررسی اسناد آسه‌آن در دهه ۱۹۹۰ برمی‌آید در این دهه تروریسم در ردیف جرائم فراملی ذکر شده و قاچاق مواد مخدر به عنوان یک جرم سازمان‌یافته فراملی توجه بیشتر را به خود معطوف کرده است.

تهدید تروریسم از زمان وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱

اقدامات جمعی در قالب نهاد آسه‌آن برای مقابله با تروریسم

حملات تروریستی یازده سپتامبر ۲۰۰۱ منجر به تغییر عمده‌ای در روشی که اعضای آسه‌آن در مورد تروریسم اتخاذ کرده بودند شد. در سومین نشست وزرای آسه‌آن در مورد جرائم سازمان‌یافته که در ۱۱ اکتبر ۲۰۰۱، در سنگاپور برگزار شد، وزراء در اعلامیه مشترک خود بیان کردند که تلاش‌های این نهاد در زمینه مبارزه با جرائم سازمان‌یافته می‌بایستی تمرکز ویژه‌ای بر تروریسم داشته باشد (Joint Communique of the 2nd ASEAN Ministerial Meeting on Transnational Crime, 2001).

به منظور مقابله با تهدید تروریسم در پنجم نوامبر سال ۲۰۰۱، دولت‌های عضو آسه‌آن، اعلامیه اقدام مشترک مبارزه با تروریسم 2001 ASEAN Declaration on Joint Action to Counter Terrorism 2001 را با هدف افزایش اطلاع‌رسانی سرّی مشترک و گسترش برنامه‌های توانمندسازی منطقه‌ای امضا کردند. امضای این اعلامیه به عنوان نخستین گامی تلقی می‌شود که آسه‌آن در زمینه مبارزه با تروریسم برداشته است. مهم‌ترین نکاتی که در این اعلامیه مورد توجه قرار گرفت عبارت بودند از:

۱. اعلام این که تروریسم یک تهدید عمده برای صلح و ثبات منطقه‌ای، بین‌المللی و توسعه اقتصادی محسوب می‌شود؛

۲. محکومیت حملات تروریستی یازده سپتامبر و تلقی چنین اعمالی به عنوان تهاجم به «همه ما»؛
۳. مردود دانستن هرگونه تلاشی که برای پیوند تروریسم با مذهب و نژاد صورت می‌گیرد؛
۴. بازبینی و تقویت سازوکارهای ملی برای مبارزه با تروریسم؛
۵. تلاش برای همکاری در زمینه اطلاع‌رسانی میان کشورهای عضو برای مبارزه با تروریسم؛
۶. تلاش برای توافق کشورهای عضو در مورد امضاء و تصویب همه کنوانسیون‌های ضدتروریستی از جمله کنوانسیون بین‌المللی منع کمک مالی به تروریسم؛
۷. اعلام این موضوع که سازمان ملل می‌بایستی نقش اصلی را برای مبارزه با تروریسم در سطح بین‌المللی داشته باشد
- اما همان‌طور که محتوای اعلامیه نیز نشان می‌دهد، در اعلامیه روش‌های مبارزه با تروریسم ارائه نشده بود. در واقع معلوم نبود که کشورهای منطقه می‌بایستی از طریق همکاری‌های چندجانبه با دیگر کشورها از جمله ایالات متحده به مبارزه با تروریسم بپردازند یا خود روش مجزایی را در پیش گیرند. بنابراین علی‌رغم انتشار اعلامیه، عدم توافق آشکاری در درون آسه‌آن بر سر این موضوع که چگونه با تروریسم منطقه‌ای مقابله کنند، وجود داشت. به دنبال آن و در ماه مه سال ۲۰۰۲ میلادی، آسه‌آن یک برنامه کاری را برای اجرای دستورالعمل مبارزه با جرائم سازمان‌یافته (Work Programme to Implementation the ASEAN Plan of Action to Combat Transnational Crime, 2002) ترتیب داد که در آن مجموعه‌ای از استراتژی‌های جامع در رابطه با مورد توجه قرار دادن جرائم فراملی از جمله تروریسم در سطح منطقه‌ای و همکاری در زمینه مبارزه با آن ارائه شد.
- به دنبال امضای «اعلامیه اقدام مشترک مبارزه با تروریسم از سوی کشورهای عضو»، آسه‌آن «اعلامیه مشترک همکاری برای مبارزه با تروریسم» (ASEAN-US Joint Declaration for Cooperation to Combat International Terrorism 2002) را با ایالات متحده آمریکا در آگوست سال ۲۰۰۲ امضاء کرد. بر اساس این اعلامیه اعضا توافق کردند که یک شورای همکاری امنیتی شبکه‌ای در درون آسه‌آن به منظور توسعه مرکز امنیتی اطلاعاتی برای مبارزه با تروریسم مجازی (syber-terrorism) ایجاد نمایند. اما چنین اعلامیه‌هایی بیشتر ارزش نمادین داشته و کمتر به مورد اجرا گذاشته شده‌اند (Ramakrishna 2005: 31).

پاسخ جداگانه هر یک از اعضا به تهدید تروریسم

پاسخ جداگانه کشورهای منطقه و عضو آسه‌آن به تهدید تروریسم یکسان نبوده است. به عنوان نمونه در اندونزی رئیس‌جمهور سابق این کشور، مگاواتی سوکارنو پوتری (Megawati Sukarnoputri) در مدت کوتاهی بعد از وقوع حادثه یازده سپتامبر به واشینگتن سفر کرد و قول داد که کشورش در اردوگاه ضد تروریسم حمایت ویژه‌ای داشته باشد. اما سیاست‌های داخلی، حساسیت عمومی و تردید و دودلی خودش مانع از آن شد که در زمینه مبارزه با تروریسم، گام‌های جدی و مؤثری بردارد (Abuza 2005).

در مالزی نیز ماهاتیر محمد، نخست‌وزیر سابق این کشور، از حادثه یازده سپتامبر به عنوان ابزاری برای بی‌اعتبار نمودن «حزب اسلامی مالزی» (Islamic Party of Malaysia) استفاده نمود و حزب مذکور را به عنوان یک حزب نظامی اسلام‌گرا معرفی کرد. مالزی هم همانند اندونزی مجبور بود در عین اینکه ورود خودش را به اردوگاه ضد تروریسم بین‌المللی تضمین می‌نمود، تقاضای اکثریت مسلمان را هم مد نظر داشته باشد و تعادلی بین دو حوزه گفته شده برقرار سازد (Batley 2003). در واقع، ماهاتیر محمد در سال ۲۰۰۲ اعلام داشت که آسه‌آن می‌بایستی «راه میانه» (Middle Way) را در جنگ علیه تروریسم در پیش گیرد، به این معنا که در عین اینکه حملات تروریستی را محکوم می‌کند، عملیات امریکایی‌ها را در افغانستان محکوم نماید و بیشتر بر روش‌های صلح‌آمیز برای مبارزه با تروریسم تأکید کند. وی مبارزه با تروریسم را نه از طریق استفاده از روش‌های نظامی و مستقیم بلکه بیشتر از طریق توجه به مؤلفه‌های اجتماعی مورد توجه قرار می‌دهد. به تعبیر وی «ما باید با تروریست‌ها بجنگیم، نه با استفاده صرف از اعمال مستقیم، بلکه بیشتر باید از طریق نفوذ در اذهان مردم به منظور کاهش حمایت آنها از اعمال تروریستی این کار را انجام دهیم. می‌بایستی کاری کنیم که از جذابیت اعمال تروریستی برای آنها بی‌نیایی که هیچ‌گونه ابزاری را برای جبران محرومیت خود نمی‌بینند، کاسته شود» (Chow 2005: 307).

در فیلیپین، «جبهه آزادی‌بخش اسلامی مورو» (Moro Islamic Liberation Front) و «گروه ابوسیاف» (Abu Sayyaf Group) به دنبال ایجاد یک دولت مستقل اسلامی در استان مسلمان‌نشین جنوبی مینداناو (Mindanao) هستند که در دهه ۱۹۹۰ میان آنها و ارتش درگیری‌هایی وجود داشته است. اما با وقوع حادثه یازده سپتامبر به عنوان گروه‌های تروریستی شناخته شده‌اند و در همین راستا فیلیپین نیز امکانات و تجهیزاتی را در اختیار ایالات متحده امریکا قرار داد و نیروی واکنش سریع را در مقابل تروریسم بین‌المللی شکل داد (Banlaoi 2002). رئیس‌جمهور این کشور، آروئو (Arroyo)، ابوسیاف را به عنوان یک جنبش تروریستی

بین‌المللی معرفی کرد و در چارچوب مبارزه با تروریسم بین‌المللی کمک‌های مالی و نظامی ایالات متحده آمریکا را پذیرفت (Emmers 2005:20; Solingen 2004: 208).

سنگاپور نیز که به طور سنتی نگران حملات تروریستی بود، به خاطر موقعیت جغرافیایی خود و اتحاد همیشگی با ایالات متحده آمریکا، وارد اردوگاه مبارزه با تروریسم بین‌المللی شد و در دسامبر ۲۰۰۱، با کشف دسیسه بمب‌گذاری اقدام به دستگیری اعضاء و نظامیان گروه جماعت اسلامی نمود و همین مسئله و تهدید نیز سبب شد تا به عنوان اولین کشور آسیایی «معاهده اصول ابتکار امنیتی بازدارنده» (Declaration of Principles for the Container Security Initiative) را با ایالات متحده آمریکا در سپتامبر ۲۰۰۲ به امضاء برساند (Singh 2002).

تایلند نیز که همیشه به عنوان متحد ایالات متحده آمریکا در منطقه جنوب شرق آسیا بوده است نیز، آمادگی خود را برای همکاری با آمریکا برای مبارزه با تروریسم اعلام کرد. این کشور به ایالات متحده آمریکا اجازه داد تا با استفاده از خطوط هوایی «یو - تاپائو» (U-Tapao) در خلیج تایلند، بتواند به افغانستان حملات ضد تروریستی داشته باشد. در مقابل کشورهای همچون کامبوج، لائوس و ویتنام از جانب تهدید تروریسم در منطقه جنوب شرق آسیا احساس نگرانی جدی نکرده (Emmers 2005:20) و در این زمینه نیز موضع خاصی اتخاذ کرده‌اند.

تهدید تروریسم بعد از اکتبر ۲۰۰۲

به دنبال حادثه یازده سپتامبر، در اکتبر سال ۲۰۰۲ بمب‌گذاری تروریستی در کلپ ساری در بالی اندونزی اتفاق افتاد و در این حادثه ۲۰۲ نفر کشته شدند. به نظر ناظران، وقوع حادثه بالی نزدیکی و امتزاج میان تروریسم جهانی و منابع بی‌ثباتی محلی و منطقه‌ای را که نشئت گرفته از فعالیت‌های افراطیون اسلامی منطقه‌ای بود، نشان داد (Prawindarty 2005: 11). از سال ۲۰۰۲، گروه «جماعت اسلامی» در منطقه جنوب شرق آسیا، به عنوان گروهی که با القاعده ارتباط دارد شناخته شده است (Gunaratna 2002). در همین راستا گفته می‌شود که گروه جماعت اسلامی به دنبال ایجاد یک دولت اسلامی پان‌آسیایی (Daulah Islamiah Nusantara) در منطقه جنوب شرق آسیا است و هدف از ایجاد این دولت اسلامی پان‌آسیایی یکپارچه کردن اندونزی، مالزی، سنگاپور، برونئی، مناطقی از کامبوج، جنوب فیلیپین و جنوب تایلند است (Emmers 2005:19).

حادثه یازده سپتامبر سال ۲۰۰۱ و بمب‌گذاری بالی در سال ۲۰۰۲، شوکی بزرگ به روابط امنیتی آسیای جنوب شرقی وارد ساخت و ترس از تروریسم فراملی را در جنوب شرقی آسیا افزایش داد (Acharya 2004). حادثه یازده سپتامبر و بالی اندونزی باعث شد تا تروریسم به یک

دغدغه امنیتی در جنوب شرق آسیا تبدیل شود و در این زمینه، اعلامیه‌های مشترک در زمینه مبارزه با تروریسم و انجام برنامه‌های ضدتروریستی در میان اعضای آسه‌آن صورت گیرد و یک چارچوب وسیع‌تر همکاری در زمینه موضوعات امنیتی به خصوص در حوزه تروریسم ایجاد شود (Prawindarty 2005: 11-12). در واقع، صلح و ثبات منطقه‌ای از طریق حملات تروریستی در منطقه مورد تهدید واقع شد و تأثیر اصلی بر این موضوع را حادثه بمب‌گذاری در بالی گذاشت که در آن حادثه ۲۰۲ نفر کشته شدند و آنچه را که تهدید تروریسم اسلامی رادیکال در جنوب شرق آسیا تلقی می‌شود، آشکار ساخت (Emmers 2005:19).

بمب‌گذاری در کلپ ساری در بالی اندونزی که در ۱۲ اکتبر ۲۰۰۲ صورت گرفت، زنگ خطری برای اعضای آسه‌آن و توجه به این موضوع که اقدامات ضدتروریستی منطقه‌ای صورت گرفته توسط آسه‌آن ناکافی بوده است، تلقی شد. بنابراین، متعاقب وقوع این حادثه تروریستی، حادثه مزبور به جلد مورد توجه سران آسه‌آن قرار گرفت و در هشتمین اجلاس سران آسه‌آن که در نوامبر سال ۲۰۰۲ در پنوم پن برگزار شد، اعلامیه‌ای جدید در خصوص تروریسم از سوی سران آسه‌آن صادر شد که در آن اعلامیه علاوه بر آنکه سران آسه‌آن حملات تروریستی صورت گرفته در بالی را به شدت محکوم کردند و از اینکه برخی منابع خبری در اخبار خود سعی می‌کردند که تروریسم را با مذاهب و گروه‌های قومی خاصی معرفی نمایند، «اظهار تأسف» نمودند (Declaration on Terrorism by the 8th ASEAN Summit, 2002).

بعد از وقوع حادثه بالی، اندونزی پیشنهاد شکل‌گیری جامعه امنیتی آسه‌آن را در سی‌وششمین اجلاس وزرای امور خارجه که در ژوئن ۲۰۰۳ در کامبوج تشکیل شد، مطرح ساخت. این ایده در اجلاس بالی که در اکتبر همان سال در اندونزی برگزار شد، از طریق «اعلامیه روابط دوستانه (۲) آسه‌آن» رسمیت یافت و در آن اجلاس بود که سران آسه‌آن در مورد شکل‌گیری «جامعه آسه‌آن» در سه حوزه امنیتی، اقتصادی و فرهنگی تا سال ۲۰۲۰ توافق کردند (Declaration of ASEAN Concord II, 2003). در ادامه نیز در دهمین اجلاس سران آسه‌آن که در ۲۹ نوامبر ۲۰۰۴ در لائوس برگزار شد، سران آسه‌آن «برنامه عمل جامعه امنیتی آسه‌آن» (Chairman's Statement of the ASEAN Security Community Plan of Action) را ارائه کردند (10th ASEAN Summit 2004).

«برنامه عمل جامعه امنیتی آسه‌آن» طرحی کلی برای همکاری جدید امنیتی - سیاسی است که شامل ده کشور عضو آسه‌آن بوده و در آن اصول حاکمیت ملی و عدم‌مداخله در امور داخلی به عنوان اصول اصلی آسه‌آن شناخته می‌شود و همچنین دربرگیرنده راهکارهایی برای برخورد آسه‌آن با چالش‌های امنیتی جدید می‌باشد و راه‌حلی را برای دور شدن آسه‌آن از محافظه‌کاری اجتناب از ارائه چارچوب جامعی در مورد همکاری امنیتی منطقه‌ای ارائه می‌کند.

در این برنامه عمل همچنین، تلاش شده است تا مباحث امنیتی غیرستی نیز در دستور کار امنیتی آسه‌آن و دولت‌های عضو آن وارد شود (Declaration of ASEAN Concord II 2003). اگر چه واکنش اولیه دولت‌های عضو آسه‌آن نسبت به بمب‌گذاری در بالی تدافعی بود، اما در ماه‌های بعد آشکار شد که اکثر این دولت‌ها خواهان همکاری ضدتروریستی چندجانبه هستند. به‌عنوان نمونه در مارس سال ۲۰۰۳، مجمع منطقه‌ای آسه‌آن نخستین اجلاس سالیانه خود را در مورد «جرائم فراملی و مبارزه علیه تروریسم»، در مالزی تشکیل داد. این حرکت در زمینه مبارزه با تروریسم و جرائم فراملی حرکت چشمگیری محسوب می‌شود، زیرا نه تنها همه اعضای آسه‌آن را در کنار یکدیگر قرار می‌داد، بلکه شرکای مذاکره‌ای آسه‌آن را هم در اقدامات صورت‌گرفته در زمینه مبارزه با جرائم فراملی از جمله تروریسم، دخیل می‌نمود. این شرکا عبارت بودند از اتحادیه اروپایی، ایالات متحده آمریکا، ژاپن، چین، استرالیا، و روسیه. در واقع دولت‌های عضو آسه‌آن نشان دادند که بر سر این موضوع که تروریسم واقعاً تهدیدی جدی برای منطقه محسوب می‌شود، اتفاق نظر دارند و اکنون به دنبال راه‌حلی جدی برای مقابله با آن هستند (Emmers 2005: 21).

این اجلاس اقدامی مؤثر در زمینه توجه بیشتر آسه‌آن به همکاری جدی‌تر در زمینه مبارزه با تروریسم محسوب می‌شد که زمینه را برای توجه بیشتر آسه‌آن برای همکاری با قدرت‌های بین‌المللی به منظور مبارزه با تروریسم فراهم آورد. به‌عنوان نمونه اعلامیه‌های مشترک مجمع منطقه‌ای آسه‌آن با اتحادیه اروپا در ژانویه ۲۰۰۳، با هند در اکتبر ۲۰۰۳، با روسیه در ژوئن ۲۰۰۴، با استرالیا در جولای ۲۰۰۴ حاکی از توجه جدی آسه‌آن به مسئله تروریسم است ("Joint Declaration on Cooperation to Combat Terrorism, 14th ASEAN-EU Ministerial Meeting, 2003", "ASEAN-India Joint Declaration for Cooperation to Combat International Terrorism, 2003). علاوه بر آن در اجلاس وزرای آسه‌آن که در ژانویه ۲۰۰۴ برگزار شد، به جرائم فراملی توجهی ویژه شد و برای نخستین بار در بررسی این موضوع، چین، ژاپن و کره جنوبی نیز شرکت داشتند (Joint Communiqué of the Fourth ASEAN Ministerial Meeting on Transnational Crime, 2004).

آنچه که سبب این تغییر موضع آشکار در آسه‌آن در زمینه پرداختن به تروریسم به‌عنوان یک تهدید شد، این بود که بازداشت مظنونین حادثه بمب‌گذاری بالی در چندین کشور جنوب شرق آسیا نشان داد که تروریسم موضوعی فراملی است و باعث شد که کشورهای عضو آسه‌آن تقریباً به برداشتی واحد از تهدید تروریسم دست یابند. در واقع، دیگر این برداشت وجود نداشت که وقوع تروریسم در یک کشور، کشورهای دیگر را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. دستگیری و بازداشت اعضای جماعت اسلامی در کشورهای جنوب شرق آسیا به این برداشت کمک کرد که تروریسم تهدیدی جدی و مستقیم برای دولت‌های عضو آسه‌آن محسوب

می‌شود. اما باید توجه داشت که تروریسم اگرچه از بعد از حادثه بالی به عنوان تهدیدی جدی برای امنیت دولت‌های عضو آسه‌آن مطرح شد اما باز هم در مرحله عمل اقدامات گسترده در زمینه مبارزه با تروریسم انجام نگرفته است.

این اعلامیه‌ها و برنامه‌ها در اجرا در سطح منطقه‌ای و از طریق نهاد آسه‌آن با مشکلاتی مواجه بوده است؛ زیرا به دلیل تفاوت در اولویت‌های امنیتی دولت‌های عضو آسه‌آن، با گروه‌های سازمان‌یافته تروریستی در منطقه همچون القاعده، جماعت اسلامی و ابوسیف، برخوردهای متفاوت شد. ابزارهای قانونی و حقوقی که از سوی دولت‌های عضو آسه‌آن به صورت جداگانه در زمینه مبارزه با تروریسم اتخاذ می‌شود، به شدت با یکدیگر متفاوت هستند. در یک طرف مالزی و سنگاپور دارای قوانین امنیتی داخلی هستند که در این قوانین توقیف نامحدود، گسترده، بی‌حد و حصر و بدون محاکمه و دادرسی هر یک از افرادی که متهم به دست‌زدن به عملیات تروریستی هستند، در نظر گرفته شده و مجاز دانسته شده است و در طرف دیگر، اندونزی قرار دارد که دارای نیروی پلیسی است که خود گریبانگیر فساد بوده و دارای چارچوب قانونی و حقوقی بسیار قدیمی بوده که حتی تا مارس ۲۰۰۳، به صورت رسمی تروریسم را به عنوان یک جرم تلقی نکرده و مجازات‌های شدید و سختی را برای آن در نظر نگرفته بود.

بنابراین، به‌طور خلاصه باید گفت برای اینکه تروریسم به‌عنوان یک موضوع، دغدغه و تهدید امنیتی قلمداد شود، لازم است که دولت‌های عضو آسه‌آن استانداردهای قابل ملاحظه را در سازوکارهای سیاسی و اجتماعی خود انجام دهند و انجام این استانداردهای مستلزم وجود یک برداشت مشترک از تروریسم به عنوان یک تهدید جدید امنیتی می‌باشد. اما به علت اینکه هرکدام از اعضا، به صورت جداگانه و متفاوت از دیگر اعضا با موضوع تروریسم در درون مرزهای خود برخورد می‌کنند، و برداشت آنها از میزان، سطح و درجه تهدید و بالطبع چگونگی برخورد با آن متفاوت است، تاکنون این استانداردهای صورت نگرفته است (Chow 2005: 305).

نتیجه

با مروری بر فعالیت‌های آسه‌آن در زمینه امنیتی از زمان شکل‌گیری تاکنون می‌توان به این جمع‌بندی رسید که کشورهای مؤسس آسه‌آن به منظور دستیابی به امنیت و مقابله با تهدید کمونیسم دست به تشکیل آسه‌آن زدند و تا زمان پایان جنگ سرد نیز در مقاطع زمانی مختلف که ناامنی ناشی از شورش‌های کمونیستی در منطقه شدید می‌شد، اقداماتی منسجم را در درون آسه‌آن به منظور مقابله با این تهدید و حفظ امنیت ملی و منطقه‌ای خود انجام دادند. با از بین

رفتن خطر کمونیسم به نظر می‌رسید که تهدید کمونیسم جای خود را به تهدیدهای غیرستی جدید هم چون تروریسم و جرائم فراملی داده است و این تهدیدات، محور اصلی فعالیت‌های آسه‌آن در حوزه سیاسی - امنیتی شده است؛ درحالی‌که با توجه به مطالب ارائه شده در این مقاله می‌توان به این جمع‌بندی رسید که اقدامات آسه‌آن در زمینه مواجهه با این تهدیدات جدید امنیتی عمدتاً در مرحله اعلانی باقی مانده و به مرحله اجرایی نرسیده است.

با مروری بر فعالیت‌های صورت گرفته در نهاد آسه‌آن در فاصله سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۱ می‌توان بیان کرد که اگرچه در این مقطع، «مجمع منطقه‌ای آسه‌آن» به منظور توجه به موضوعات امنیتی تشکیل شد، اما این مجمع فقط متشکل از اعضای آسه‌آن نبوده و یک سازمان امنیتی در منطقه پاسیفیک - و نه صرفاً جنوب شرق آسیا - محسوب می‌شود. بنابراین اگرچه در این مقطع زمانی، جرائم فراملی و تسلیحات هسته‌ای به‌عنوان تهدیدات جدید امنیتی دوران پس از جنگ سرد برای آسه‌آن معرفی شده‌اند، اما در این فاصله زمانی ده ساله، تنها چهار مصوبه در درون آسه‌آن برای مبارزه با جرائم فراملی به امضای اعضا رسید. این امر حاکی از عدم توجه جدی آسه‌آن به حوزه موضوعات امنیتی در مقطع زمانی مزبور است. همچنین باید اضافه کرد که تهدید تروریسم نیز تا آن مقطع، در ذیل جرائم فراملی مورد توجه قرار می‌گرفت.

دوم، با بررسی اسناد آسه‌آن در فاصله سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۵ هم می‌توان گفت اگر چه از بعد از حادثه یازده سپتامبر، تروریسم به‌عنوان موضوعی که می‌بایستی مورد توجه قرار گیرد، تلقی شد، اما از بعد از حادثه بمب‌گذاری در بالی اندونزی بود که تروریسم به عنوان یک تهدید عمده برای کشورهای عضو آسه‌آن و به تعبیر دیگر یک تهدید منطقه‌ای محسوب گردید. با این حال مبارزه با همین تهدید نیز در عرصه عمل چشمگیر نبوده است، زیرا توافقی جدی در زمینه تهدید مذکور در میان اعضاء وجود نداشته است.

بنابراین با بررسی تلاش‌های صورت گرفته توسط آسه‌آن در زمینه مبارزه با تروریسم از زمان حادثه بالی به بعد، می‌توان به این جمع‌بندی رسید که اگر چه تغییر موضعی در میان اعضای آسه‌آن در زمینه تلقی تروریسم از یک امر کاملاً داخلی به یک امر منطقه‌ای دیده می‌شود، اما دو عامل عمده مانع از آن شده است که تروریسم به عنوان تهدید و دغدغه مشترک همه اعضا تلقی شود. عامل اول اینکه دولت‌های آسه‌آن هنوز در مورد حد و میزان مبارزه دسته‌جمعی علیه تروریسم اتفاق نظر ندارند و این عدم اتفاق نظر نیز ناشی از تفاوت میزان ثبات سیاسی داخلی کشورهای عضو آسه‌آن، ترس آنها از دخالت بیرونی و تلقی شدن مبارزه با تروریسم به عنوان امر ناقض هنجار عدم‌مداخله در امور داخلی، می‌باشد. دوم اینکه دولت‌های عضو در مورد میزان نقشی که ایالات متحده می‌تواند در همکاری منطقه‌ای

ضدتروریستی ایفا کند، اتفاق نظر ندارد. به عنوان نمونه سنگاپور و فیلیپین از ورود امریکا به منطقه برای مبارزه با تروریسم استقبال می‌کنند، درحالی‌که مالزی خواهان پاسخ بومی و منطقه‌ای به تهدید تروریسم است (Chow 2005: 314).

بنابراین با بررسی فعالیت‌های آسه‌آن در زمینه امنیتی می‌توان گفت که توانایی آسه‌آن برای مدیریت امنیت منطقه‌ای در دوران پس از جنگ سرد، نسبت به دوره جنگ سرد، کمتر بوده است. به نظر می‌رسد که علت اصلی چنین امری هم عدم وجود تهدید مشترکی که جایگزین تهدید کمونیسیم شود، بوده است (Narine 1997:209). فعالیت اعضای آسه‌آن در حوزه مبارزه با جرائم فراملی در حد اعلانی باقی مانده و به مرحله عملیاتی جدی نرسیده است. از سوی دیگر از زمان حادثه یازده سپتامبر و به دنبال آن حادثه بمب‌گذاری بالی بود که تروریسم به عنوان تهدید عمده‌ای برای کشورهای منطقه مطرح شد و اقداماتی هم برای مقابله با آن انجام شد که ناکافی بوده است.

منابع و مأخذ

الف. فارسی

۱. سلیمی، صادق (۱۳۸۲). *جنایات سازمان یافته فراملی*. تهران: انتشارات تهران صدا.
۲. فن گلان، گرهارد (۱۳۸۰). *حقوق بین‌الملل عمومی*. ترجمه سید داود آقایی. تهران: نشر میزان.

ب. خارجی

- 1- Abuza, Zachary (2005) "Al-Qaeda Comes to Southeast Asia" in: *Terrorism and Violence in Southeast Asia: Transnational Challenges to State and Regional Stability* edited by Paul J. Smith. New York: M.E. Sharpe, Inc.
- 2- Acharya, Amitav (2004) "How Ideas Spread: Whose Norms Matter? Norm Localization and Institutional Change in Asian Regionalism" *Internatioanl Organization*, 58, pp: 239-275.
- 3- *ASEAN Declaration of Transnational Crime*, 1997.
- 4- *ASEAN Plan of Action on Drug Abuse Control*. 1996.
- 5- *ASEAN Vision 2020*. 1997.
- 6- Banlaoi, Rommelc (2002) "The Role of Philippine – American Relations in the Global Campaign against Terrorism: Implications for Regional Security" *Contemporary Southeast Asia*. Vol.24, No.2, pp: 294-312.
- 7- Batley, Brek (2003) "The Complexities of Dealing with Radical Islamic in Southeast Asia: A Case Study of Jemaah Islamiyah" *Canberra Papers on Strategy and Defense 149*. Canberra: Strategic and Defense Studies Centre. The Australian National University.
- 8- Chairman's Statement of the 10th ASEAN Summit. Vientiane, November 2004.
- 9- Chow, Jonathan T. (2005) "ASEAN Counterterrorism Cooperation since 9/11" *Asian Survey*. Vol. 45, No. 2, pp: 302-321.
- 10- *Declaration of ASEAN Concord II (Bali Concord II)*, Bali, 7 October, 2003.
- 11- Emmers, Ralf (2005) "Security Relations and Institutionalism in Southeast Asia" in: *Conference "Asia's New Institutional Architecture: Managing Trade and Security Relations in a Post 9/11 World"* Berkeley APEC Study Center. University California at Berkeley, California, December 9-10 2005, pp: 1-32.

- 12- Emmers, Ralf (2004) "Non-Traditional Security in Asia Pacific: The Dynamics of Securitization" *Non- Traditional Security in Asia Series*. Singapore: Eastern University Press.
- 13- Gunaratna, Rohan (2002) "Al-Qaeda: The Asia Connection" *Janes Intelligence Review* . No. 12.
- 14- Joint Communique of the 2nd ASEAN Ministerial Meeting on Transnational Crime. 2001.
- 15- Joint Communique of the 4nd ASEAN Ministerial Meeting on Transnational Crime. 2004.
- 16- Joint Declaration for a Drug- Free Area. 1998.
- 17- Joint Statement of the ASEAN Foreign Ministers Informal Meeting, August 16, 1979
- 18- McFarlane, John (2000) "International Cooperation Against Transnational Crimes: Second Track Mechanism" *Presented at the Transnational Crimes Conference Convened by the Australian Institute of Criminology in Association with the Australian Federal Police and Australian Customs Service*. Held in Canberra, 9-10 March 2000 .pp: 1-8.
- 19- Narine, Shaun (1997) "ASEAN and the Management of Regional Security" *38th Annual International Studies Association Meeting*, Toronto, Ontario, March 18-22, pp: 195-214.
- 20- *Palermo Convention against Transnational Organized Crime*. Italy, 12-15 December 2000.
- 21- Prawindarti, Lianita (2005) "The ASEAN Security Community: Reconciling Traditional and Non- Traditional Security Issues" *Italy: University of Trento, School of International Studies*.
- 22- Ruland, Jurgan (2005) "The Nature of Southeast Asian Security Challenges" *Security Dialogue*. Vol. 36, no. 4, pp: 545-563.
- 23- Severino, Rodolfo C. (2004) "Towards an ASEAN Security Community" February 2004. Published by *Institute of Southeast Asian Studies*, Singapore.
- 24- Singh, S (2002) "The Post-September 11 Geo-Strategic Landscape and Southeast Asian Response to the Threat of Terrorism" in: *Trends in Southeast Asia*. Singapore: Institute of Southeast Asian Studies.
- 25- Solingen, Etal (2004) "Southeast Asia in a New Era" *Asian Survey*. Vol. 44, No. 2. pp: 189-212.
- 26- *The ASEAN Declaration on Joint Action to Combat Terrorism*, Bandar Seri Begawan, Brunei Darussalam, 5 November 2001, <http://aseansec.org/6014.htm> .
- 27- The 3rd ASEAN Regional Forum. 1996
- 28- *U.S-ASEAN Joint Declaration on Combating Terrorism*, Washington D.C, 1 August 2002, <http://www.stste.gov/p/eap/rls/ot/12428.pf.htm>
- 29- Work Programme to Implementation the ASEAN Plan of Action to Combat Transnational Crime, 2002.